

www.netab.ir

پایگاه علمی

سیاست‌های

جدید و

جدید

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

سرشناسه	پاپلی، مریم، لیلا، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	سنداشت‌های سیاست‌های جنسی و جنسیتی در اواخر عصر قاجار و دوره پهلوی اول / بیکوش، پاپلی یزدی، مریم دژم‌خوی؛ با همکاری عمران گاراژیان، سید حسن موسوی شرقی، گوهر سلیمانی رضا آباد.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نکر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۳۹ ص؛ مصور.
شابک	978-964-9940-74-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
موضوع	زنان - وضع حقوقی و قوانین - ایران - تاریخ - قرن ۱۳-۱۴ ق.
موضوع	Women - Legal Status, Law - History - Iran - 19th-20th Century
موضوع	زنان در توسعه اقتصادی - ایران - تاریخ - قرن ۱۳-۱۴ ق.
موضوع	Women in Economic Development - History - Iran - 19th-20th Centuries
موضوع	زنان در کشاورزی - ایران - تاریخ - قرن ۱۳-۱۴ ق.
موضوع	Women in Agriculture - History - Iran - 19th-20th Centuries
موضوع	زنان در زندگی اجتماعی - ایران - تاریخ - قرن ۱۳-۱۴ ق.
موضوع	Women in Public Life - History - Iran - 19th-20th Centuries
شناسه افزوده	دژم‌خوی، مریم.
شناسه افزوده	گاراژیان، عمران، ۱۳۴۹ -
شناسه افزوده	موسوی شرقی، سید حسن، ۱۳۶۶ -
شناسه افزوده	سلیمانی رضا آباد، گوهر، ۱۳۶۷ -
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ پ ۲ / ۹ ز ۲۴۶۷ KMH
رده‌بندی دیویی	۳۴۶/۵۵۰۱۳۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۹۲۹۳۶۰

یادگارهای
سیاست‌های
جدید و
جدیدی

نشر نگاه معاصر

در پایان عصر قاجار و دوره پهلوی اول

به کوشش:

لیلا پاپلی‌یزدی، مریم دژم خوی

باستان‌شناسی سیاست‌های جنسی و جنسیتی در اواخر عصر قاجار و دوره پهلوی اول

به کوشش

لیلا پاپلی یزدی، مریم دژم‌خوی

با همکاری

عمران گاراژیان، سید حسن موسوی شرقی

گوهر سلیمانی رضا آباد

کتابخانه

ناشر: نشر نامه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم و ساسا

حروفچینی و صفحه‌آرایی: روفج، شما (امید سیدکازمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: فرنو

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۴۰-۷۴-۸

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ - مخارج - پلاک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: ne.ahen@ser94@gmail.com

فهرست

۷	□ مقدمه: باستان شناسی رضعیتی نامکتوب
۱۳	فصل اول: بدن سوبژکتیو استیو: راهی به استراتژی های کنترل بدن با تأکید بر تغییر نظم جنسیتی و جنسی در دوره پهلوی اول
۷۱	فصل دوم: نفت به مثابه باتلاق: بررسی باستان شناختی مشارکت اقتصادی و مالکیت زنان در ایران معاصر
۱۱۷	□ سخن پایانی
۱۲۱	□ منابع
۱۳۳	□ تصاویر

مقدمه

باستان‌شناسی وضعیتی نامکتوب

لیلا پاپلی یزدی

... و مرا چاره نباشد از زخم زده‌ها چنین حال‌ها که از این بیداری افزایش و تاریخ بر راه راست برود که روا نیست در تاریخ تخسیر و تحریف و تیر و تذبذب کردن...^۱

نگارنده در مقام پژوهشگری که مدت‌هاست در تعریف دیگری و دیگری‌های جنسیتی در حاکمیت‌های معاصر ایران متمرکز است، جمله یکی از بانوان در امور سیاست‌گذاری فرهنگی در سال ۱۳۹۳ در یک همایش دولتی مربوط به زنان، سیاست‌گذار بزرگ بود: «زن، انسانی است که مرد نیست».^۲ این جمله در عین کوتاهی، تلخیص نمایی فرایند طولانی مدت و فرسایشی دیگری‌سازی بدن زن و البته تعریف جنسیت در ساختار حاکمیت ایران است. در این جمله تعریف «زن» تعریفی سلبی است، بدین معنا که زن یک «مردم» است، یک نبود. فی‌المثل گفته نشده زن کسی است که کروموزوم‌های جنسی ایکس ایکس دارد یا کسی است که توانایی زایش دارد. در این تعریف مقدمه ایجابی مرد بودن، و زن بودن، عامل آن تعریف شده است. از همین جمله می‌توان استفاد کرد که ساختار سیاسی، یک «خود» تعریف کرده که هرچه غیر از آن باشد، دیگری است. مشکل، فهم این «خود» و «دیگری» است که همواره لایه‌ای از شک و ابهام آن را فرا گرفته است.

تعریف سلبی در مورد نیمی از جامعه، تلاش برای پس زدن و اقلیت‌سازی این جمعیت بزرگ و در عین حال تقدس‌زایی بدن و وظایف روزمره او تجربه زیسته انسان ایرانی امروز

۲. میزگرد دانشجویی چپستی مسأله زنان، ۱۳۹۳.

۱. ابوالفضل بیهقی، ۶۷۸: ۱۳۵۰.

است. در جواب اعتراض‌های مدنی و حتی پژوهش‌های تخصصی، نظام تبلیغاتی عمدتاً توجیهی تاریخی می‌آورد مبنی بر اینکه زندگی ایرانیان همواره همین‌گونه بوده است. در توجیه وضعیت موجود، تکه‌هایی از روایات، احادیث و تاریخ مکتوب به عنوان شواهدی مبنی بر خانه‌نشینی زنان ایرانی در دوره‌های گوناگون تاریخی، توجه آنان به وظایف روزمره، مادری و عدم مشارکت آنان در امور اجتماعی و سیاسی، جدا می‌شود و در رسانه‌های دولتی، روزنامه‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها به عنوان زندگی همه ایرانیان و تنها تصویر موجود تاریخی از زن و نقش‌های جنسی نشان داده می‌شود. آیا حق با تبلیغات است؟ آیا چنین رویکردی نسبت به بدن زن سابقه‌ای تاریخی دارد؟ آیا همواره در تاریخ بوم ایرانی، زن موجودی منزوی، با مسئولیت‌های مرتبط با خانه، تربیت فرزند، پرورش و نگهداری از فرزندان، و اگر منفی است از چه زمانی زن و بدن زن دیگرگونه تعریف شده است؟ و تعمیم چنین گزاره‌هایی به بخش بزرگی از تاریخ را چگونه می‌توان با روشی باستان‌شناختی ارزیابی کرد؟

نکته قابل توجه و پیچیده از رزیدار گزاره‌های تبلیغاتی این است که بدانیم آنچه که امروزه رسانه تلاش دارد به عنوان تاریخ ارائه دهد، روایتی است منقطع، تک‌خطی و غیر علمی-تاریخی که تلاش می‌شود نشان داد شود، زنان بسیار می‌دانیم و خلافاً و ندانسته‌های آن اندک و حتی هیچ است.

برعکس از منظری علمی، تاریخ رسمی و مکتبی بر مجموعه‌ای از روایت‌ها و خُرده‌روایت‌ها است که در مجموع یک فرآیند را تشکیل می‌دهد و هر لحظه ممکن است این داستان با روایتی یا استفاده از روش و مکتبی نوبه شکلی جدید از خوانی شود. تاریخ گرچه برای پژوهشگر از دوره‌ها و میان‌دوره‌ها و دوره‌های گذر تشکیل شده است، اما در واقعیت پدیده‌ای متداوم است که در دو بستر زمان و مکان شکل می‌گیرد.^۱ هر نسل، سنت پیش ازین را به ارث می‌برد و با تغییراتی به نسل بعد تحویل می‌دهد. در فضای اجتماعی و فرهنگی بدیهی فرض می‌شود که تصویر ما از خودمان، گذشته و سنت در گفتگویی بین نسلی شکل گرفته است. نسل پیش همواره «بدها» و «خوب‌هایش» را به نسل جوان‌تر گوشزد می‌کند و جوان‌ها در فرآیندی چالشی این بدها و خوب‌ها را استحاله و قسمتی از سنت را بازتولید می‌کنند. تعاریف نیز همین‌گونه‌اند. سنت تعریف جنسیت، زن، مرد و جنسیت دیگر بودن، سنتی بوده که هر نسل به نسل دیگر انتقال می‌دهد است؛ روایتی سینه به سینه از تجربه‌های زیسته تا آنگاه که

حاکمیت‌های مدرن و رسانه‌های جدید اشکال نوینی از تعریف را ایجاد کردند و گسترش دادند.

همین است که شاید رفتارهای فرهنگی در زمینه‌های مختلف متفاوت است. رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها عموماً ریشه در تاریختی دارند که هر بوم تجربه‌اش کرده است. اما از یک منظر دیگر دست‌کم از یک هزاره و نیم پیش، «تاریخ» در ایران سنت فکری و موضوع پژوهش هم بوده است. مفسران قرآن عموماً مورخ بوده‌اند و مورخان مفسر. برای نمونه می‌توان به تفسیر طبری، تاج ابن اثیر، تاریخ مقدسی، تاریخ ثعالبی و جز آنها اشاره کرد. با این حال تاریخ، قدسی قلمداد نمی‌شده و همواره در معرض نقد و دگردیسی بوده است. تاریخ در سنت ایرانی تذکری بوده است. یادآور زبیر قدسی که گرچه خود همراه فرایندهای روایت‌شده‌اش حرکت می‌کند اما فاصله پژوهش‌گرانه‌اش با موضوع همواره حفظ می‌شود تا شهاب منشی که از درد و آه وطنی در وضعیت خطر و در حال نجات توسط مغولان می‌هراسد و می‌گریزد و در عین حال روایت می‌کند، تا کسانی مانند اعتمادالسلطنه که تلاش کرده‌اند روایت تاریخی خود را از زیان یک دیگری تاریخی بازگویند، در هر شرایط تاریخی بازبازرسی اجتماعی، رسالت مورخان فرض می‌شده است. تاریخ صحنه باریکری سیاست نیز بوده است. آن‌گونه که حتی اگر چون خواجه نظام‌الملک بر فهمی محافظه‌کار از نظام سیاسی متکی یا در صدد توجیه شکلی از سرکوب بوده‌اند، باز هم نگاشته‌اند و پژوهیده‌اند و البته تاریخ را آن‌گونه که مقصد خودشان بوده تقریر کرده‌اند.

سنت قوی تاریخ‌نگاری ایران هزاره پیش که ترکیبی بود از نظم و تفسیر متون مقدس (نه فقط قرآن که در نمونه‌ای مانند الکامل فی التاریخ ابن اثیر روایات آن بران‌تر از می‌رود و عهد عتیق و جدید و متون زرتشتیان را نیز دربر می‌گیرد) در دوره معاصر به تدوین تحلیلی رفته است. آن سنت، کمتر تک‌روایتی و بیشتر مبتنی بر تنوعی از روایان و روایت‌ها و نیز روایت‌های درهم تنیده بوده است. چرا که حتی برخلاف تصویر ظاهری این متن‌ها عموماً رویدادهای مشابه هم همگون روایت نشده‌اند.

اما امروزه تاریخ سنتی در مدرسه‌ها تدریس نمی‌شود و ایرانی جوان مگر به فراخور علاقه، احتمال اندکی دارد تا با تاریخ سنتی سرزمینش آشنا شود. از این رو از تاریخی تک‌خطی و محدود در راستای توجیه تقلیل تنوع‌های جنسیتی، قومیتی و مذهبی بهره‌برداری می‌شود. برخلاف سنت دیرینه، تصویری که قانون‌گذاران مدرن از ایران ارائه می‌دهند، تصویر

سرزمینی است که تکترو چندروایتی در آن کم بوده است. براساس گفته‌های خود آنان تصور می‌شود که بسیاری از مسائل روزمره زندگی از آرایش صورت تا نگهداری از حیوان خانگی رویه‌هایی وارداتی است؛ آن هم صرفاً از غرب. حال آنکه نگاهی به مینیاتورهای اواخر دوره تیموری و دوره صفوی به تنهایی (بدون مشاهده هیچ ماده فرهنگی دیگر) نشان می‌دهد که مردم ایران حیوانات را نگه می‌داشته‌اند، بدن خود را می‌آراسته‌اند؛ چه در شکل آرایش مو و صورت و چه در شکل رنگارنگ لباس‌ها، موسیقی می‌شنیده‌اند و می‌نواخته‌اند، زن و مرد در مکاتب درس می‌خوانده‌اند، ورزش می‌کرده‌اند، عشق می‌ورزیده‌اند، در فضای خصوصی‌شان امنیت داشته‌اند و مهم‌تر از همه گفتگو می‌کرده‌اند. تقلیل تاریخ به متنی در دستان حاکمیت این امکان را ایجاد می‌کند تا هر چه بدست تبلیغاتی خود را تنها روایت موجود و مشروع از تاریخ معرفی کند.

آیا در چنین شرایط دشوار، روش‌های نوین در بازخوانی گذشته و تاریخ این امکان را به ما می‌دهد تا روایت‌های محذوف را بازیابیم و آنها را دور از تاریخ‌نگاری تبلیغاتی بازنگری کنیم؟ یکی از روش‌های بازخوانی تاریخ نزدیک، باستان‌شناسی معاصر است که این امکان را به پژوهشگر گذشته می‌دهد تا فرآورده‌های تاریخی‌ای را که به وضعیت حاضر منتج شده است، بازنگری کند و صداهای محذوف و سردشده یا گم‌شده در همه‌فرادهای سیاسی مسلط را دریابد. باستان‌شناسی معاصر با بهره‌گیری از خوانش مواد فرهنگی مسکوت و محذوف، فضاها، متن به مثابه کارابزار، و تحلیل هر آنچه شانه‌ای از گذشته را در خود دارد، مانند ویرانه و زیاله سعی در بازخوانی و فهم دوباره فرایندهای تاریخی دارد.^۱

هدف از پژوهش حاضر بازخوانی باستان‌شناختی بخشی از زندگی اجتماعی ایرانیان در گذشته‌ای نزدیک و گشایش فضایی برای اندیشه به دیگر اشکال زندگی اجتماعی در حوزه جنسیت است. هرچند این پژوهش به ویژه مقاله دوم آن مشخصاً بر زنان متمرکز شده است، اما هدف آن از پرداختن به وضع زنان فراتر می‌رود.

مسئله پژوهش حاضر بررسی چرایی آشفستگی جنسیتی‌ای است که محصول مدرنیسم، مداخلات از بالا، اعمال تغییرات بدون بررسی‌های دقیق تخصصی است. پرسش نخست آن این است که: آیا تعییرزن به عدم و مرد به وجود در تاریخ پيشامدرن ایران سابقه دارد؟ آیا تبلیغات که تلاش می‌کند نشان دهد این وضعیت کاملاً بر شرایط تاریخی منطبق است، سندیت دارد؟

پرسش دوم پرسشی سیاسی است: انگیزه‌های ساخت سیاسی در تفکیک ساحت‌های عمومی و خصوصی براساس جنسیت چیست؟

بدن زنانه در این پژوهش به مثابه نمونه‌ای قابل بررسی از یک کلیت تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. پیش فرض نخست آن است که تداوم فرآیند یکسان‌سازی و فشار مدرنیسم بر بدن زنانه نه فقط به تغییر سنت‌های مرتبط با بدن که تغییر سنن تاریخی و مواد فرهنگی مرتبط با بدن زنانه منجر شده است. در مورد مردان نیز چنین سیاستی حتی پیش از زنان، روی داده است. در همان آغازین دهه حکومت پهلوی، مردان را مجبور به پوشیدن لباس‌های غربی کرده و با تشکّل ارتش و سربازی اجباری زندگی آنها را به سمت معیارهای حاکمیتی مدرن سوق دادند. از سربازی تا تجربه‌های اسناد و منابع تاریخی و ادبی و شواهد باستان‌شناختی، در ادوار مختلف تاریخی در جامعه ایرانی سایر جنسیت‌ها تعریف شده بودند و دست‌کم انسان‌هایی فرای دو جنسیت پذیرفته شده، مردی در اجتماع حضور داشتند. دیگر جنسیت‌ها در فرآیند مدرنیسم به تدریج از عرصه زندگی اجتماعی به حاشیه رانده و طرد شدند.

در دهه گذشته تلاش شده است تا این نوع رویکردها به تاریخ از منظر تاریخی و اجتماعی مورد نقد قرار گیرد.^۱ اما تاکنون تلاشی برای ارضاح تغییرات اجتماعی مرتبط با جنسیت در ایران از منظر باستان‌شناسی صورت نگرفته است. تلاش می‌کنند چرایی رسیدن به وضعیت امروز را توضیح دهند.

در مقاله نخست، مریم دژم‌خوی و سید حسن موسوی شرم به فرآیندی می‌پردازند که در پی مدرن‌شدن ساختار سیاسی، ساحت‌های دوگانه زنانه و مردانه را از زندگی ایرانیان تعریف شده است که ایرانی بودن را مشروط به قرار گرفتن در یکی از دو قطب به سبب زن یا مرد می‌دانند. افراد ملزم به پذیرش قوانین مصوب برای گروه‌های یادشده هستند وگرنه طرد و تنبیه در انتظار آنان است. در بررسی این فرآیند، نویسندگان مقاله یادشده به بررسی مواد فرهنگی به ویژه مواد مرتبط با لباس و ساحت‌ها و فضاها و اجتماعی مانند حمام‌ها پرداخته‌اند. بررسی تغییرات در حوزه امر جنسی محور دیگر این پژوهش است.

در مقاله دوم، لیلا پاپلی یزدی، عمران گاراژیان و گوهر سلیمانی رضا آباد فرآیند اقتصادی‌ای را که منجر به کاهش سرمایه‌های زنانه از دوره قاجار تا به امروز شده است، بررسی کرده‌اند. در این روند، اسناد ازدواج در آستان قدس (اسناد جمع‌آوری شده در دانشگاه هاروارد

و اسناد موجود در آستان قدس) و مجموعه‌های دیگر بررسی شده و همچنین با سیصد زن از سه نسل در خراسان در طی سه سال از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ مصاحبه فردی و عمیق انجام شده است. پیش فرض مقاله آن است که در فرآیندی صدساله به تدریج منابع ثروت و سرمایه سنتی برای زنان که شامل منابع مرتبط با ازدواج و اشتغال و درآمدهای مرتبط با ارث و وقف بوده است به درآمدهای شخصی زنان آن هم از طریق اشتغال تقلیل یافته و در نتیجه امکان مداخله اقتصادی و اجتماعی فعال و تحرک برای زنان کم شده است.

دوره زمانی مورد بحث اگرچه گذشته‌ای نه چندان دور و از اواخر دوره قاجار را شامل می‌شود، اما بررسی دقیق این ادوار برخی تفاوت‌های بنیادی و تغییرات را در مقایسه با وضعیت جنسیتی امروز ایران نشان می‌دهد. در گذشته نه چندان دور کاربرد واژگان و مفاهیمی مانند جنسیت و جنس در زبان فارسی متداول نبود و به سختی می‌توان چنین واژگانی را در متون قاجاری یا صفوی یافت. در عرض واژگانی که به یک اندام یا کنش جنسی اشاره می‌کنند حضوری آشکار دارند. حتی امروزه نه به سختی می‌توان به روشنی میان جنس و جنسیت در زبان فارسی تفاوت قائل شد که شاید در ساختار متفاوت جنسیت در جامعه ایران دلالت می‌کند. این دو مقاله تلاش می‌کنند با استفاده از باستان‌شناسی به مثابه یک روش مواجهه علمی با داده‌ها، چرایی سیاسی و اقتصادی چنین تغییری را توضیح دهد.

نگارش و انتشار این مقاله‌ها جز با کمک استادان و همکاران گرامی ممکن نبود. از خانم بهشتی و آقای فاطمی عزیز که اسباب آشنایی ما را با نسخه‌های مختلف نگاه معاصر فراهم آوردند، بی‌نهایت سپاسگزاریم. نگارندگان قدر دان تلاش‌های خانم دکتر فاطمه صادقی برای بازخوانی متن و پیشنهادهای کارا هستند که موجب شد کیفیت متن ارتقا یابد. همچنین از آقای اکبر قنبری مدیر انتشارات نگاه معاصر که متن را با روی گشاده مطالعه فرمود و متن را به قدم همراه نگارندگان و متن بودند کمال امتنان را دارند.